



● روزنامه‌نگاری با کنار هم گذاشتن جملات و عبارات جذاب خیلی فرق دارد.

● قبلاً هر کس با مقداری ذوق و قریحه تبلیغی می‌توانست خودش را روزنامه‌نگار معرفی کند، اما امروز برای روزنامه‌نگار خوب بودن، دیدن آموزشهای تخصصی کافی و صحیح اهمیت بسزایی دارد.

● روزنامه‌نگاری خوب باید روزنامه‌نگاری موفق هم باشد. اولین هدف روزنامه‌نگار ایجاد ارتباط است و روزنامه‌ای که فروش نرود، به اولین هدف خود دست نمی‌یابد.

روزنامه‌نگار کیست؟

ام. وی. کاماث

ترجمه: قاسم طلوع

■ مشخصات کتاب شناختی این نوشته، به قرار زیر است:

M.v. Kamath, So you Want to be a Journalist? , in:

Professional Journalism, new Dehli: WIKAS PUBLISHING HOUSE PVT LTD, 1988 , P.P. 1-7.



اشاره:

نوشته حاضر، فصل اول کتاب «روزنامه نگاری حرفه‌ای» است، به قلم ام. وی. کامات، روزنامه‌نگار و نویسنده هندی. و عنوان اصلی آن، چنین است: «پس می‌خواهید روزنامه‌نگار شوید؟».

طرف خطاب نویسنده، جواهرهایی هستند که می‌خواهند روزنامه‌نگار شوند. از این رو، شنیدن حرفهای یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای و با تجربه، برای آنها ضروری است.

از آنجا که نویسنده، مخاطبان هندی را در نظر داشته، اغلب، در ذکر شواهد و دلایل، به محیط روزنامه نگاری هند تکیه کرده است. بی‌شک، خواننده ایرانی خود می‌داند که با توجه به موقعیت جغرافیایی

این نوشته، توصیه‌ها و تذکرات نویسنده چندان بی‌مورد نیست.

این کتاب برای آنهایی نوشته شده است که می‌خواهند روزنامه‌نگار شوند. پس، اولین سؤالی که باید بدان پاسخ گوئیم، این است که: روزنامه‌نگار کیست؟

آدمهای زیادی در گوشه و کنار دنیا هستند که گاه و بی‌گاه مطلبی می‌نویسد، چند تکه خبیر از این طرف و آن طرف می‌فرستند و خودشان را روزنامه‌نگار می‌خوانند. آیا واقعاً اینها روزنامه‌نگارند؟ اگر اینها روزنامه‌نگارند، چگونه می‌توان آنها را از افراد حرفه‌ای که به طور منظم برای روزنامه‌ها، مجلات، نشریات و ارگانهای داخلی کار می‌کنند، جدا کرد؟ حال بگذریم از آن عده‌ای که برای رادیو و تلویزیون مطلب و خبیر تهیه می‌کنند. پس واقعاً چه چیز، یک روزنامه‌نگار را می‌سازد؟

روزنامه‌نگار حرفه‌ای را به راحتی می‌توان شناخت. او در استخدام یک روزنامه است، برای روزنامه‌اش گزارش تهیه می‌کند، یا ممکن است مقاله یا سرمقاله بنویسد یا به تصحیح مطالب بپردازد. یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای با نامهای مختلفی شناخته می‌شود: گزارشگر، مقاله‌نویس، خبرنگار ویژه، مسئول تنظیم اخبار، معاون سردبیر، مسئول بخش ورزش، مسئول اخبار شهری، مسئول بخش تجاری، دبیر اخبار عمومی و سردبیر. دامنه کارهایی که او انجام می‌دهد، به وسعت دنیای پیرامون اوست. او در مورد هر چیزی که جنبه خبری داشته باشد، گزارش تهیه می‌کند؛ خواه در مورد جرم و جنایت، نظم و قانون، برنامه‌های سیاسی، دادگاهها، قوه مجریه و قوه مقننه باشد، و خواه در باره مردم، مُد، هنر، موسیقی، نمایش، ادبیات و غیره. کار روزنامه‌نگار بیش از اینهاست. او نوشته‌های دیگران را تصحیح می‌کند، اخبار را تفسیر و انتقاد و جمع‌بندی می‌کند.

قبل از هر چیز، روزنامه‌نگاری، برای کسی که آموزشهای لازم و تخصصی را در

زمینه کار پیچیده انتشار یک روزنامه دیده است، یک شغل محسوب می‌شود، و این در مورد آماتورها مطرح نیست. روزگاری بود که می‌گفتند روزنامه‌نگار به طور مادرزاد روزنامه‌نگار است، و چنین نیست که یک نفر را به مدرسه روزنامه‌نگاری بفرستند و او در پایان روزنامه‌نگار شود. مهاتما گاندی هیچ‌گاه قدم به مدرسه روزنامه‌نگاری نگذاشت. اما در آن روزگار، وضع فرق می‌کرد. هر کسی با مقداری ذوق و قریحه تبلیغی می‌توانست خودش را روزنامه‌نگار معرفی کند، یک ماشین چاپ بخرد یا کرایه کند و روزنامه‌ای را بیرون آورد. اما امروزه وضع کاملاً فرق می‌کند و کار پیچیده‌تر شده است. و بی‌شک، حتی همان افرادی که مادرزادی روزنامه‌نگار هستند، اگر دوره‌های تخصصی روزنامه‌نگاری را طی نکنند، خیلی بهتر از دیگران خواهند بود.

در هندوستان، اولین مرکز آموزش روزنامه‌نگاری، در دانشکده هنر دانشگاه ملی مدرس در سال ۱۹۲۰ تأسیس شد. موضوعات درسی عبارت بود از: تاریخ روزنامه‌نگاری، قانونهای مطبوعات، سرمقاله نویسی، و مدیریت روزنامه.

صادقانه باید بگوئیم که برای روزنامه‌نگار خوب بودن، دیدن آموزشهای تخصصی کافی و صحیح، اهمیت به سزایی دارد. اما، این هشدار را هم می‌دهیم که هر کسی که مدرک روزنامه‌نگاری می‌گیرد، لزوماً روزنامه‌نگار نیست.

حال به سؤال بعدی می‌رسیم: چه چیز یک روزنامه‌نگار را می‌سازد؟ برای این سؤال، به تعداد رهبران و بزرگان روزنامه‌نگاری، پاسخ وجود دارد. جیمز رستون از نیویورک تایمز، «سرحالی و زنده دلی» را اصل می‌داند. پل میلر از گروه روزنامه‌های گانت در آمریکا، «زرتنگی و حلیه‌گری» را مهم می‌داند. و هربرت بروکر، یکی از سردبیران معروف، «روکردن حقیقت و مواز ماست کشیدن» را ویژگی اصلی روزنامه‌نگار می‌داند.

البته، یک روزنامه‌نگار باید پُر انرژی

باشد و باید بتواند حقیقت را بیرون بکشد، و حتی اگر لازم باشد از فریبکاری استفاده کند، اما اینها همه پاسخهایی جزئی هستند. روزنامه‌نگار شدن، احتیاج به خیلی چیزهای دیگر غیر از انرژی یا علاقه به کار دارد. با وجود این، سخنان آقای رستون در مدرسه روزنامه‌نگاری کلمبیا اهمیت زیادی دارد:

«من طرفدار پروپا قرص تربیت و آموزش تخصصی روزنامه‌نگاران هستم. در عین حال، ما در بین روزنامه‌نگاران نیویورک تایمز افرادی را داریم که چندین مدرک دانشگاهی دارند و افرادی هم هستند که تحصیلات عالی را بنا به دلایلی به پایان نرسانده‌اند... اما هر دو گروه، خوب کار می‌کنند. وقتی پرونده این آدمها را ورق می‌زنیم، با این واقعیت مواجه می‌شویم که همه آنها این کیفیت بالا- یعنی سرحالی، انگیزه، زنده دلی - را دارند، حال شما هر اسمی که دوست دارید، به آن بدهید. بنابراین، به نظر من کاملترین و بهترین آموزشها در امور تخصصی نمی‌توانند یک روزنامه‌نگار برجسته بسازند، مگر اینکه ویژگی اصلی، یعنی سرحالی و زنده دلی نیز همراه تخصص باشد.»

اس. سادانساند، سردبیر فوری پرس ژورنال^۱ نیز حرف آقای رستون را تأیید می‌کند و نمونه آن را تی. ساداناند می‌داند که هرگز به دانشگاه نرفت، اما تمامی کسانی که او را می‌شناختند، اذعان داشتند که روزنامه‌نگار بزرگی است. او مردی بود کاملاً سرحال، سرزنده و با انگیزه. یعنی همه آن ویژگیهایی را که آقای رستون می‌گفت، داشت. در واقع، او آنچه را که در ساداناند بود، در دیگران جستجو می‌کرد. نکته مهم در مورد چنین آدمهایی این است که گرچه مدرک دانشگاهی ندارند، اما نیرو و علاقه کافی به کارشان دارند و در صورت لزوم، آموزشهای مورد نیاز را برای روزنامه‌نگار خوب و موفق بودن می‌پذیرند. در ایام گذشته، هر کسی که انگیزه لازم را در خود می‌دید، به شغل روزنامه‌نگاری می‌پرداخت و همزمان با

کارش، آموزش هم می‌دید. آنها عمدتاً مردانی خود آموخته بودند. اما امروز، با رقابتی که بر سرکسب مشاغل مهم وجود دارد، عاقل آن است که قبل از گرفتن پُست، آموزشهای لازم را ببینند.

ماهیت آموزشهای لازم برای روزنامه‌نگار شدن

برای آغاز کار، دانشجوی روزنامه‌نگاری باید از نظر معلومات هنری، علمی یا تجاری نمره خوبی بگیرد. با این حساب، احتمالاً چنین فردی می‌تواند با رعایت قواعد دستور زبان، مطلب بنویسد و با ساخت جمله نیز آشناست. همچنین بهتر است دانشجویی که در یک محیط غیر انگلیسی فارغ التحصیل شده است، درسهای تخصصی انگلیسی را بگذراند تا بیشترین بهره‌را از مطالعات مربوط به روزنامه‌نگاری به زبان انگلیسی ببرد. این بدان معنی نیست که دانشجوی نا آشنا به انگلیسی نمی‌تواند از درسهای روزنامه‌نگاری بهره ببرد. اما برای کارکردن در یک روزنامه خوب و معتبر [در هند]، روزنامه‌نگار باید با زبان انگلیسی آشنا باشد. دقت، امانت و حساسیت نسبت به اخبار، سرمایه‌های اصلی‌اند. وقتی که به زبان مادری درسهای روزنامه‌نگاری وجود ندارد، آن‌گاه روزنامه‌نگار مشتاق تنها یک راه در پیش روی خود دارد: حضور در کلاسهای زبان انگلیسی.

آنچه که مهم و اساسی است، این است که روزنامه‌نگار باید بتواند مطالبش را به راحتی به زبانی بنویسد که با آن می‌خواهد خوانندگانش را مورد خطاب قرار دهد. روزنامه‌نگار با واقعیتها سروکار دارد، اما واقعیتها در قالب لغات بیان می‌شوند، حال به هر زبان و لهجه‌ای که باشد. روزنامه‌نگاری که به زبان تسلط نداشته باشد، نمی‌تواند امیدی به تأثیرگذاری بر خوانندگانش داشته باشد. این نکته، اهمیت تسلط بر چند زبان را نشان می‌دهد. هر چه فرد زبانهای بیشتری بلد باشد، شانس بیشتری برای پیدا کردن شغل دارد، خصوصاً

اکنون که دولتها با هم بر سرانجام کارهایشان به زبانهای بومی و منطقه‌ای به رقابت پرداخته‌اند. حتی در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، در هندوستان، گزارشگرانی که صرفاً با زبان هندی، اردو، گجراتی و ماراتانی آشنایی داشتند و آن را می‌فهمیدند، بر دیگران ارجحیت داشتند. چیزی که در گذشته این همه ارزش داشته، مطمئناً امروزه با ارزشتر هم شده است. این را نیز باید افزود که روزنامه‌نگاری که با زبانهای خارجی دیگری مثل فرانسوی، آلمانی، روسی یا عربی آشنا باشد، مطمئناً برای گرفتن شغلهای خارج از کشور، از کسی که فقط یک زبان انگلیسی بداند، شانس بیشتری دارد.

آیا روزنامه‌نگاری یک شغل است، حرفه است، صنعت است یا تجارت؟ جالب است بگوییم که روزنامه‌نگاری یک حرفه است، مثل حقوق یا طب یا مهندسی. اما در عین حال، صنعتی است که باید آموخته شود. و وی بر روزنامه‌نگار ناشری که از اصول مدیریت بازرگانی خبر نداشته باشد! ساداناند روزنامه‌نگار بزرگی بود، اما تاجر خوبی نبود و آخر کار هم شکست سختی خورد. مطمئناً اگر مدیر بازرگانی خوبی می‌بود، در روزنامه‌نگاری هم وضع بسیار بهتری می‌داشت. روزنامه‌نگاری موفق، لزوماً روزنامه‌نگاری خوب نیست، اما روزنامه‌نگاری خوب باید روزنامه‌نگاری موفق هم باشد. اولین هدف روزنامه‌نگار، ایجاد ارتباط است و روزنامه‌ای که فروش نرود، به اولین هدف خود دست نمی‌یابد. بنابراین، گفتن این جمله که «روزنامه‌نگاری، یک حرفه رفیع و بلند مرتبه است، نه یک صنعت یا تجارت» کمی مغرورانه است و باید از آن حذر کرد.

نوشته خوب، هم سرمایه مطلوب و ارزشمندی است، و هم خوب به فروش می‌رسد. و مسئول تنظیم اخباری که صفحات نشریه را خوب تنظیم کند، باید هم وزنش طلا به پای او ریخت. گفتن اینکه صفحه آزایی، یک حرفه است نه یک هنر، برداشت غلطی است. بی‌شک روزنامه

نگاری یک حرفه است، اما روزنامه‌نگاری که خودش را به حرفه‌اش محدود کند، به احتمال زیاد خواهد فهمید که استعدادش چندان رشک برانگیز نیست: دانشی است بی مشتری. تاریخ روزنامه‌نگاری پُر است از سرگذشت مردانی که غرورشان به آنها اجازه نمی‌داد که خود را دلال و تجارت پیشه بدانند.

حرفه‌ای کیست؟

حرفه‌ای کسی است که آموزشهای لازم را در رشته تخصصی‌اش دیده است. فردی که در دانشکده پزشکی دوره لازم را ندیده و مدرک آن را نگرفته باشد، حق طبابت ندارد. حقوقدان، حسابدار برجسته، و در برخی کشورها حتی آرایشگرها و «متخصصان زیبایی» باید مدرک لازم را که نشان دهنده صلاحیت آنهاست، کسب کنند. بنابراین، اگر روزنامه‌نگاران هم از نظر استعداد شغلی از طرف هم‌ردیفان و همکارانشان، شناسایی کافی به دست آورند، کاری مناسب کرده‌اند. اما در هندوستان، به خاطر نبود یک سازمان مشخص، صرفاً در لیست حقوقی یک روزنامه بودن، نشان دهنده صلاحیت داشتن روزنامه‌نگار است. در چنین شرایطی، تنها راه تشخیص حرفه‌ای از آماتور، فهم این نکته است که آیا شخص مورد نظر، به طور تمام وقت و فعال در روزنامه استخدام شده است یا نه. اگر چنین است، با اندکی مسامحه می‌توان او را فردی حرفه‌ای دانست. ولی روزنامه‌نگار «آزاد نویس»^۲ - یعنی کسی که در استخدام روزنامه نیست، ولی مرتباً در یک ستون خاص مطلب می‌نویسد - فقط یک آزاد نویس است، نه یک حرفه‌ای.

آزاد نویسی^۳

فرهنگ لغت رندوم هوس^۴، «آزاد نویس» را این‌گونه تعریف می‌کند: فردی که به عنوان نویسنده، طراح، مجری و غیره کار می‌کند،

2. Free-Lance Journalist

3. Free-Lance Writing

4. The Random House Dictionary

ولی از یک کارفرما یا سازمان و جای خاص به طور منظمی حقوق نمی‌گیرد. مسلماً این تعریف یا توصیف، از این واقعیت ریشه می‌گیرد که در قرون وسطی، ماجرا جویان نظامی، که اغلب رتبه شوالیه‌ای داشتند، برای کسانی خدمت می‌کردند که پول بیشتر می‌دادند. و به اصطلاح، شمشیرشان را برای کسی که بالاترین پیشنهاد را می‌داد، از نیام بر می‌کشیدند.

این واژه، امروزه به نویسندگان، طراحان و سایر کسانی اطلاق می‌شود که آثارشان را به کسی که بهترین پیشنهاد را بدهد، می‌فروشند. اینها ممکن است آماتور یا حرفه‌ای‌هایی باشند که باز نشست شده‌اند، اما کارشان ارزشمند و مقبول است. اما در جاهایی که روزنامه‌ها خیلی خوش حساب نیستند، آزادنویسی راه آسانی برای گذران زندگی نیست. البته روزنامه‌نگار آزاد نویسی که توانایی ارائه آثار قابل قبولی را داشته باشد، ممکن است بتواند به صورت قراردادی کار کند، و در این صورت، مستمری ثابتی خواهد داشت. نویسنده قرار-دادی باید مجموعه مطالبی را برای سردبیر تهیه کند. اگر قرار شود که نویسنده مقاله‌ای را تهیه کند، سردبیر اخلاقاً موظف است آن را بپذیرد، مگر اینکه واقعاً «به درد نخور» باشد. با این همه، سردبیر موظف به چاپ مقاله نیست، گرچه باید دستمزد آن را بپردازد. معمولاً سردبیرها مقالات و موضوعات را برای «روز مبادا» نگه می‌دارند یا شرایطی را تعیین می‌کنند که به آنها حق قبول یا رد مطالب رسیده را می‌دهد.

برای یک مبتدی، آزاد نویسی روش خوبی برای گذران زندگی نیست، آدمی که می‌خواهد آزاد نویس باشد، یا باید به زندگی بخور و نمیر اکتفا کند، و یا باید امکانات مالی کافی داشته باشد تا بتواند بدون وابستگی به درآمد نویسندگی، زندگی‌اش را بگذراند. بسیاری از آزاد نویسها، شغل دیگری دارند که زندگی آنها را تأمین می‌کند. مثلاً جاگیت سینگ، نویسنده آزاد مطالب علمی، یکی از مدیران راه آهن بود.

کمتر نویسنده‌ای می‌تواند انتظار داشته باشد که به طور تمام وقت و موفق، به کار آزاد نویسی بپردازد، مگر اینکه شایستگی و شهرت کامل به دست آورده باشد. اغلب اوقات، صلاحیت کافی نیست، بلکه باید دیگران نیز او را صاحب صلاحیت بدانند. سرشناس بودن برای آزاد نویسان به اندازه صلاحیت داشتن مهم است. امروزه، بسیاری از مجله‌ها و روزنامه‌ها تعدادی آزاد نویس مشهور دارند، مثلاً نشریه ساینس تودی (علم امروز)، یک کادر ثابت آزاد نویس دارد که مطالب بسیار خوبی در مورد موضوعات علمی می‌نویسند.

برای یک آزاد نویس، عاقلانه آن است که در زمینه‌ای که رقیب کمی دارد، متخصص شود، مگر اینکه خیلی مشهور باشد. مثلاً آقای نورانی - آزاد نویس مطالب حقوقی در یکی از نشریات هندوستان - تخصص کامل در مورد مطالب حقوقی دارد و به همین خاطر، کمتر کسی با او رقابت می‌کند. آزاد نویسی که به اصطلاح روی بورس باشد، تنها خیلی زود مقام و منزلت پیدا می‌کند. در این صورت، وقتی که نویسندگان رسمی و تمام وقت روزنامه سرشان شلوغ است یا تخصص کافی ندارند، سردبیران مرتباً به این افراد روی می‌آورند و درخواست مطلب می‌کنند.

در پایان، می‌خواهم نکته‌ای را به جوانترهایی که می‌خواهند روزنامه‌نگار شوند، تذکر دهم. از همان هفته اولی که در روزنامه مشغول به کار می‌شوید، مطلبی ننویسید که باعث تحقیر سیاستمداران یا سرشکستگی دولتمردان شود. تا وقتی که روی خط بیفتید، مدت زمانی طول می‌کشد. تنه‌اره ممکن، سختکوشی و تلاش بی‌امان است، و قبل از هر چیز، باید شایستگی شما به اثبات برسد. اگر در مدرسه انشا یا مقالات خوبی می‌نویسید، تضمینی نیست که حتماً روزنامه‌نگار خوبی هم بشوید. روزنامه‌نگاری، با کنار هم گذاشتن جملات و عبارات جذاب خیلی فرق دارد.